



## فهرست

۹	مقدمه: خلاصه‌ی پرونده
۱۲	روز اول
۱۵	عبرت بگیرید
۱۷	فیلمفارسی
۱۹	تهوع
۲۱	خاطره‌ی کیود
۲۳	بداهه‌بازی
۲۶	خاطره‌ی تصویری
۲۹	ضایعات
۳۱	داماد رئیس جمهور
۳۴	جوگیر
۳۷	عذر بدتر از گناه
۳۹	سی سال پیش
۴۱	تکنیک جادویی قضاوت
۴۳	آریایی عزیز، نکن!
۴۵	ماساژ روحی
۴۷	قاضی آزاری
۵۰	پابوس
۵۱	پناه‌جویان سیرالتون



استاد معظم دانشگاه	۵۴
سکته‌ی قلبی	۵۶
پرستیژ قضاوت	۵۸
عدالت بی‌ریخت	۶۰
دفاع دندان‌شکن	۶۲
کودکانه	۶۳
تلنگر	۶۵
کاتب‌شاه‌ها در حال کارند	۶۷
تهدید بودار	۶۹
زنده‌باد بی‌کاری	۷۰
محکمه‌پسند	۷۳
یک تکه سنگ	۷۶
رشوه‌ی دراز	۷۸
سر متهم	۸۱
مال‌خولیا	۸۳
دریاچه‌ی نمک	۸۵
مست غرور	۸۸
قضاوت بی‌قضاوت	۹۰
پناه بگیرد	۹۲
تشریح مخ	۹۶
مسگر شوشتری	۹۸
دلیل زنده	۱۰۱
دست‌بند	۱۰۴
احساسات پاک	۱۰۶
جلد	۱۰۸
قضاوت معکوس	۱۱۰
نافرمانی بدنی	۱۱۳
سخت‌ترین سؤال	۱۱۵

## مقدمه

### خلاصه‌ی پرونده

#### متهم کیست؟

من یک قاضی هستم. محل کار من در دادسراست. این که دادسرا کجاست و چه فرقی با دادگاه دارد و کلاً تشکیلات قضایی چه بخش‌هایی دارد، اصلاً مهم نیست، یعنی مهم است ولی موضوع این کتاب نیست؛ چرا که این خاطرات برای عموم نگاشته شده و به مباحث علمی و تخصصی حقوق نمی‌پردازد. فقط این را بگویم که در دادسرا سروکار ما با متهم و جرم و مجرم و بزه‌دیده و بگیر و ببند و بازداشت و این‌طور چیزهاست.

از همین ابتدا تکلیف را روشن کنم که خدانکرده تا پایان کتاب مدام در تردید و سردرگمی نباشید: تمام خاطرات نقل شده در این کتاب کاملاً واقعی هستند. هر چند ادبیات نوشتار طنز است، محتوا واقعیاتی است غیر تخیلی، غیر استعاری، غیر سوررئال، غیر سمبلیک، غیر فانتزی و کلاً غیر همه‌چیز.

#### اتهام چیست؟

به چند دلیل خاطراتم را در قالب طنز نوشته‌ام: اول این که سال‌هاست طنز می‌نویسم و تقریباً مدل دیگری بلد نیستم بنویسم. من حتی گه‌گاه در آرای می‌هم که صادر می‌کنم، کاملاً به صورت زیرپوستی، تیکه‌ای می‌اندازم و طنزی می‌پرانم. دوم این که جو و اتفاقات دادسرا آن قدر تلخ و زمخت است که دیگر نیاز به مرثیه‌سرایی ندارد؛ بلکه قلم